

بررسی راهبرد دفاعی - امنیتی هند

مختار صالحی^۱
جهان حیدری^۲

چکیده: توافقات هسته‌ای هند و آمریکا این سؤال را برای اندیشه‌ورزان موضوعات امنیتی به دنبال دارد که تحرکات نظامی و دفاعی-امنیتی هند را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ هند دارای چه راهبرد دفاعی-امنیتی می‌باشد و چه تغییر و تحولاتی پس از ۲۰۰۳ در رویکرد هند اتفاق افتاده است؟ در پاسخ به این سؤال‌ها می‌توان گفت که راهبرد دفاعی-امنیتی هند از زمان استقلال به ترتیب رویکرد نظامی "واکنشی"، رویکرد نظامی "ابتکاری"، راهبرد نظامی "توازن گرایی"، دوران "ابهام استراتژیک" و چندجانبه‌گرایی و در نهایت دوران حرکت از "چندجانبه‌گرایی" به سمت "وضوح استراتژیک" همراه با ائتلاف با آمریکا و هم پیمانانش از ۲۰۰۳ به بعد در رویکرد دفاعی امنیتی هند قابل مشاهده است. این مقاله به بررسی سیر تحولات در رویکردهای راهبردی هند، چشم‌انداز جایگاه هند در آینده نظام بین‌الملل و چالش‌های پیش روی آن را واکاوی می‌نماید.

واژگان کلیدی: هند، نظامی، امنیتی، آمریکا، چین، پاکستان، افغانستان، ایران، توازن‌گرایی.

salehi321@gmail.com

jahan_heidari58@yahoo.com

۱. دکتر مختار صالحی، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

۲. آقای جهان حیدری، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

مقدمه

بررسی راهبرد دفاعی-امنیتی هند نیازمند فهم اصول و تفکرات مبنایی هند در سیاست خارجی این کشور می‌باشد. با نگاه به سیاست خارجی هند، می‌توان فهم رفتار این کشور را در امور نظامی نیز ملاحظه کرد. به عبارتی هند در پی آن است تا به چهار هدف در سیاست خارجی‌اش نایل شود: ۱. "پذیرش" وضعیت موجود هسته‌ای این کشور ۲. کسب کرسی "دائم" در شورای امنیت ۳. شناسایی بین‌المللی خطوط "مرزی‌اش" با پاکستان ۴. حاکم شدن "صلح هندی" بر اقیانوس هند.

در مورد گزینه اول باید گفت ورود هند و پاکستان به باشگاه هسته‌ای مزایایی برای آن‌ها به دنبال دارد. در این باره هند نگرانی خاصی پیرامون زرادخانه هسته‌ای پاکستان دارد و در صورت پیوستن به NPT از خطرش در امان نخواهد ماند (Gupta, 2005: 42-43). همزمان دولت هند در پی آن است تا در صورت امکان از طریق توسعه روابط راهبردی با قدرت برتر نظام جهانی یعنی آمریکا پیشرفته‌ترین فناوری‌های هسته‌ای را کسب کند تا بتواند به نوعی "توازن آسیایی قدرت" در برابر پاکستان و چین نایل گردد (Lall, 2008: 39). این هدف در صورتی تسهیل می‌گردد که هند وفاداری خویش را به قوانین عضویت در NPT آشکار سازد. در این صورت است که در برابر انتقادهای بین‌المللی بیمه خواهد شد (Gupta, 2005:43).

دومین هدف هند به دست آوردن کرسی دائم در شورای امنیت است چرا که در این صورت هم به هدف اول جامه عمل می‌پوشاند و هم به عنوان بازیگری برتر شناخته خواهد شد. هند پشتیبانی روسیه، ژاپن، آلمان و انگلیس را کسب کرده و تنها چین و آمریکا هنوز ملاحظاتی دارند که هند باید مد نظر قرار دهد. قابلیت‌های هند در راستای حفظ و اجرای صلح چنان شریکی از آن می‌سازد تا در فرایند صلح منطقه‌ای و جهانی شراکت فعال‌تری داشته باشد.

در مورد سوم نیز دولت‌مردان هندی به این نکته واقف هستند که تا زمانی که هند نتواند به طور جدی در حل معضل مرزی خویش با پاکستان وارد عمل شود قادر نیست به‌طور موثر دیگر سیاست‌هایش را در جهان به پیش ببرد. کاهش دشمنی با پاکستان باعث جذب سرمایه‌گذاران می‌شود که مزایای ناشی از آن نوعی ارتباط جغرافیایی قوی میان طرفین شکل می‌دهد و تلاش‌ها علیه تروریسم را پیچیده نمی‌سازد (Gupta, 2005: 43).

در مورد چهارم نیز، هند به اقیانوس هند همچون محدوده‌ای حیاتی نگاه می‌کند. تا ۱۹۶۷ نیروی دریایی بریتانیا در پهنه اقیانوس هند حضور گسترده داشت، اما پس از ۱۹۶۷ که بریتانیا از شرق سوئز عقب‌نشینی کرد ورود کشتی‌های دو ابرقدرت به

اقیانوس هند، هندی‌ها را هراسان نمود. حتی فرماندهان نیروی دریایی هند تمایل داشتند از دولت خویش بخواهند از بریتانیا تقاضای کمک کند. نگرانی دیگر هند رقابت با چین و پاکستان می‌باشد. جامعه استراتژیک هند احساس می‌کنند کشورشان توسط دریایی از "افراطیون اسلامی" احاطه شده است، لذا هند و آمریکا در مهار شبه‌نظامیان اسلامی منافع مشترک دارند. هند سعی دارد در منطقه به عنوان قدرتی "برتر" نه قدرتی اقتدارگرا ظاهر شود و در پی صلح و ثبات در کل منطقه اقیانوس هند می‌باشد (Tanham, 1992: 41-43).

ادوار تاریخ نظامی هند

با بررسی ادوار تاریخ نظامی هند شاهد نوعی سیاست "تکاملی" هستیم. راهبرد نظامی این کشور را می‌توان به پنج دوره زیر تقسیم کرد:

۱. رویکرد نظامی "واکنشی"
۲. راهبرد نظامی "ابتکاری"
۳. راهبرد نظامی "توازن‌گرایی"
۴. دوران "ابهام استراتژیک" و "چندجانبه‌گرایی"
۵. دوران حرکت از "چندجانبه‌گرایی" به سمت "وضوح استراتژیک" همراه با ائتلاف با غرب.

۱. رویکرد نظامی "واکنشی"

دوره اول تاریخ نظامی هند را مارشال سوری، رئیس نیروی هوایی این کشور، "واکنشی" نامیده است نه "ابتکاری". عده‌ای از کارشناسان گفته‌اند هند در سراسر تاریخ خویش از نوعی عدم وحدت سیاسی برخوردار بوده و به همین خاطر تا آن زمان نتوانسته در چارچوب "دفاع ملی" تفکری را خلق کند (Tanham, 1992: 50). بریتانیا نیز طرح راهبردی کاملی برای هند ترسیم نکرد و همانند دیگر دموکراسی‌ها بر بخش نظامی هند سخت‌گیری بیشتری داشت و اجازه نمی‌داد آن‌ها در سطوح کلان یعنی جایی که "راهبرد" مورد ملاحظه قرار می‌گرفت، شرکت کنند (Tanham, 1992: 51). در زمان جواهر لعل نهرو، وی حاضر نبود مشورت نظامیان را در امور حکومت بپذیرد و در جواب آن‌ها می‌گفت: "کار شما نیست که به نخست وزیر دستور دهید". بنابراین، نهرو موضعی به شدت سخت علیه نظامیان داشت (Tanham, 1992: 70-71). ترس از کودتا کنترل نظامیان را بیشتر نمود و کمیته امورسیاسی به جای بخش نظامی به تصمیم‌گیری و ارائه طرح‌های عمده می‌پرداخت. نیروی نظامی هیچ قدرت قانونی برای تصمیم‌گیری

حکومتی نداشت. این نیروها به دلیل عدم تخصص و دانش اندک خویش در امور نظامی بازده مؤثری نداشتند. حتی ارتش نسبت به مسائل هسته‌ای بی‌اطلاع گذاشته شد و جایگاهشان تنزل یافت (Tanham, 1992: 73-74).

به دلیل ضعف مذکور طی این دوره شاهد دو جنگ در شبه قاره هند هستیم: یکی جنگ با چین در ۱۹۶۲ و دیگری جنگ با پاکستان در ۱۹۶۵. نهره از سر بی‌تجربگی باور نمی‌کرد چین در جنگ اول نیروی نظامی‌اش را به کار گیرد، اما غافلگیر شد چرا که فاقد سخت افزار نظامی برای مقابله به مثل بود. جنبش عدم تعهد نیز آن‌گونه که نهره تصور می‌کرد جانب هند را نگرفت. هند نتوانست این کشور را از سیاست تجاوزکارانه‌اش یعنی نپذیرفتن خط مرزی "ماک ماهون"^۱ میان هند و تبت باز دارد (Hedrick, 2009: 5-6). پاکستان در جنگ چین و هند نشانه‌ای از ضعف را در قدرت نظامی هند مشاهده کرد و در ۱۹۶۵ درصد درآمد بقیه کشمیر را از آن خود سازد. اما جنگ مذکور هیچ موفقیتی را به همراه نداشت که این ناشی از خطای محاسبات راهبردی آن‌ها بود (Hedrick, 2009: 6). جنگ مذکور با میانجیگری اتحاد شوروی در ژوئیه ۱۹۶۶ براساس موافقت‌نامه "تاشکند" پایان یافت (Tanham, 1992: 33). عده‌ای از تحلیل‌گران حتی این دوره را دوره "غیبت تفکر راهبردی" هند برشمرده‌اند (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۲۸). تمام این دوران که تا ۱۹۷۱ به طول می‌انجامد روابط نظامی هند بر پایه "سیاست خارجی نهرویی و فلسفه خاص جنبش عدم‌تعهد" استوار بود. این سیاست تاحدودی فعالیت‌های نظامی هند را محدود نمود و از مدرنیزه کردن بخش نظامی‌اش ممانعت به عمل آورد.

۲. راهبرد نظامی "ابتکاری"

پس از نهره، نخست وزیر جدید ایندیپرا گاندی نیاز هند به نیروی نظامی را درک کرد. وی به ارتش زمان کافی داد تا برای مبارزه علیه شرق پاکستان آماده شود که در نهایت به تأسیس کشور جدید بنگلادش در ۱۹۷۱ انجامید (Tanham 1992:73). متعاقب استقلال بنگلادش اهمیت ساختار امنیتی دو قطبی جهان برای هند بیش از پیش آشکار گردید. گرچه کشوری مثل آمریکا در جنگ ۱۹۶۵ هند و پاکستان، به پشتیبانی از هند برخاسته بود، اما پس از جنگ ۱۹۷۱ ناو هواپیمابر خود را به مدخل خلیج بنگال فرستاد تا از پاکستان دفاع نماید و حتی از مساعدت نظامی قبلی‌اش در قبال هند صرف‌نظر کرد. چین نیز به طرفداری از پاکستان برخاست و هند را محکوم کرد. آزمایش هسته‌ای

1. Mac Mahon

۱۹۶۴ چین، هند را نگران ساخت، اما معضل پاکستان توجهش را از این مسئله منحرف کرد. در این مقطع زمانی، نخبگان هند نگران بودند که در بازی سه‌جانبه میان مسکو، واشنگتن و پکن آلت‌دست آنان قرار گیرند و با هند به درستی رفتار نشود. هند از ۱۹۷۲ مصرانه در راستای انفجار هسته‌ای تلاش نمود و در ۱۹۷۴ این آزمایش را به انجام رساند. هندی‌ها این دوره از تاریخ خویش را تحت عنوان دوره "ملی‌گرایی، غرور و دستاوردها" برشمرده‌اند (Hedrick, 2009: 8). هندی‌ها تأسیس بنگلادش را به عنوان سند افتخاری برای خویش می‌دانستند. البته این اقدام ابتکارآمیز باعث فرونی "عزت نفس" هند پس از شکست از چین در ۱۹۶۲ گردید.

پاکستان برای مقابله به مثل از ۱۹۷۱ کار بر روی "بمب اسلامی" را آغاز نمود. از آن زمان به بعد هند سعی کرد تهدید پاکستان را جدی‌تر بگیرد و بسیاری از مانورهای راهبردی و دیپلماتیک آن به متوازن ساختن و مقابله با پاکستان اختصاص یافت (Tanham, 1992: 34). با نزدیکی بیشتر اسلام‌آباد به واشنگتن و پکن پس از ۱۹۷۱، هند فعالانه درصدد رابطه با اتحاد شوروی برآمد تا هم در برابر جمهوری خلق چین و هم در برابر آمریکا "توازن" برقرار سازد. در نتیجه اولین پیمان دوجانبه‌اش را با عنوان "صلح، دوستی و همکاری" با شوروی در ۱۹۷۱ امضا کرد. این پیمان بیان می‌داشت: "هر دو کشور در صورتی که مورد حمله واقع شوند باید به کمک دیگری بشتابند". اگرچه شوروی تا این زمان یکی از تأمین‌کنندگان عمده تجهیزات دفاعی هند بود، از این پس جایگاه نخست را به خود اختصاص داد. از این زمان هند پی برد که هدف امنیتی مهم "تهیه تجهیزات مورد نیاز" می‌باشد و روابط دفاعی‌اش باید به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر "حفظ تأمین‌کنندگان تسلیحاتی قابل‌اعتماد" متمرکز شود (Hedrick, 2009: 7).

آزمایش بمب هسته‌ای هند در ۱۹۷۴ باعث تداوم تیرگی میان هند و آمریکا گردید (Gupta, 2005: 2). انفجار بمب مذکور باعث شد چین برنامه فضایی، موشکی و هسته‌ایش را سرعت بخشد تا برتری نسبت به دشمن در منطقه آسیا-پاسیفیک را به‌وسیله محدود کردن ژاپن و مهار هند، به دست آورد. کمک چین به برنامه هسته‌ای و موشکی کره شمالی و پاکستان به‌طور وسیعی به دلیل نیاز به خنثی کردن رقبای استراتژیک آسیایی‌اش بود. بر طبق تحلیل هند، پکن مدت‌های طولانی از پاکستان به عنوان "اسرائیل چین" استفاده می‌کرد تا رشد قدرت هند را مهار کند و به‌طور مکرر تعهداتش را برای مقابله با انتقال تسلیحات استراتژیک مخفی به پاکستان در مغایرت با تعهدات ماده یک NPT نقض کرد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۲۲).

از جمله اقدامات هند که حاکی از راهبرد "ابتکاری" اش طی این دوران بود اعزام نیروهای "حافظ صلح" خویش به بعضی از نقاط شبه قاره بوده است. از جمله در ۱۹۷۱ در راستای کمک به استقلال طلبان بنگلادش در شرق پاکستان، از این نیروها حمایت به عمل آورد. سال‌های متعاقب آن، این کشور تمایل داشت تا در جهت همسو با "ابتکارات ضدغربی" سازمان ملل به‌ویژه در جنوب آسیا وارد عمل شود. به عبارتی، راهبرد "آرایش سربازان زیر پرچم سازمان ملل" نوعی تداوم دوفاکتوی اعمال "سیاست غیرمتعهد" هند می‌باشد. سال‌ها قبل یعنی در دهه ۱۹۵۰ هند در عملیات نظامی سازمان ملل در جنگ کره با فرستادن یک تیم پزشکی چنین دیپلماسی را اتخاذ کرده بود. اقدام مذکور اولین اقدام هند در راستای حفظ امنیت بین‌الملل بود.

۳. راهبرد نظامی "توازن‌گرایی"

در ۱۹۷۹ شوروی به افغانستان حمله کرد و بار دیگر قدرت‌های بزرگ را به صحنه جنوب آسیا کشاند که بر سیاست خارجی هند تأثیر عمده‌ای داشت. ایالات متحده سریعاً تحریم‌های تحمیلی بر پاکستان را لغو کرد. این تحریم‌ها علیه توسعه برنامه هسته‌ای پاکستان اعمال شده بودند. دولت آمریکا حتی پایگاه‌هایی را تأسیس کرد و از مجاهدانی که علیه شوروی و کمونیست‌ها در حال جنگ بودند، پشتیبانی به عمل آورد. این مسئله عواقبی برای هند در پی داشت، چرا که سیاست جدید آمریکا دیگر بار پاکستان را در راستای برنامه هسته‌ای آن و مدرنیزاسیون نظامی‌اش مورد حمایت قرار داد. هند در تنگنا قرار گرفت به این خاطر که مایل نبود علیه تهاجم شوروی در ۱۹۷۹ به افغانستان موضع‌گیری نماید و تنها منبع تأمین تسلیحات نظامی خویش را ناخرسند کند. بنابراین، فقط "انتقاد آرامی" را علیه اتحاد شوروی پیشه ساخت. هند درصدد برآمد با تداوم پشتیبانی‌اش از شوروی "توازنی" را در مقابل اتحاد چین، آمریکا و پاکستان ایجاد نماید (Hedrick, 2009: 9). پاکستان به کشور خط مقدم ضد این مداخله آشکار شوروی که ریگان رئیس‌جمهور آمریکا آن را "امپراتوری اهریمنی" خوانده بود، مبدل شد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۳۳). هنگامی که شوروی در ۱۹۸۸ از افغانستان عقب‌نشینی کرد، ایالات متحده نیز دلیلی بر تداوم پشتیبانی نظامی‌اش از پاکستان ندید. در اکتبر ۱۹۹۰ تیم جورج دبلیو بوش به کنگره اطلاع داد که وی دیگر نمی‌تواند تصدیق کند که پاکستان تسلیحات هسته‌ای ندارد. از این زمان به بعد دو کشور هند و پاکستان خودشان را تحت عنوان قدرت‌های هسته‌ای دو فاکتو مورد ملاحظه قرار دادند. در نتیجه، هند هم و غم خود را بر توسعه "دکترین هسته‌ایش" در چارچوب طرح جنگ هسته‌ای با پاکستان قرار داد.

دولت آمریکا دیگر بار تحریم‌های جدیدی را علیه پاکستان آغاز کرد که مانع از آن شد این کشور بتواند تسلیحات متعارف مورد نیازش را از طریق آمریکا کسب کند. پاکستان درصدد برآمد خریدهای تسلیحاتی‌اش را از طریق چین تأمین کند. با فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱ هند دچار نوعی تردید گردید، چرا که فدراسیون روسیه نفوذ شوروی سابق را نداشت تا همچنان هند را در نظام بین‌الملل مورد پشتیبانی قرار دهد.

۴. دوران "ابهام استراتژیک" و "چند جانبه گرایی"

در پایان دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ تحولاتی رخ داد که باعث تحول در برداشت هند از موقعیت ژئوپلتیک این کشور گردید:

۱. پایان رویارویی ابرقدرت‌ها منجر به کاهش رقابت آن‌ها در شبه‌قاره هند گردید.
۲. سیاست ایندیپندنتیسم در اوایل دهه ۱۹۸۰ مبنی بر تقویت قابلیت‌های نظامی هند، رفته‌رفته هند را به یک قدرت منطقه‌ای مهم تبدیل نمود.
۳. خروج شوروی از افغانستان به‌طور فزاینده‌ای اهمیت ژئوپلتیک پاکستان را برای آمریکا تقلیل داد. این امر منجر به آن شد تا چین و آمریکا روابط خود را با آن کشورها مورد ارزیابی مجدد قرار دهند (صدوقی، ۱۳۸۳: ۵۷).
۴. فروپاشی اتحاد شوروی، به‌ویژه اقتصاد این کشور، قدرت موازنه‌بخش روسیه را از لحاظ منطقه‌ای و جهانی تحلیل برد (صدوقی، ۱۳۸۳: ۴۵).

پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، رقابت ابرقدرت‌ها، جای خود را به همکاری مسکو و واشنگتن داده و این امر به‌نوبه خود موجب تحول عظیمی در "جنوب" آسیا شد. چین اعلام نمود به هند به عنوان "همسایه بزرگ" احترام می‌گذارد و در واقع نگران اختلاف میان هند و پاکستان است، به این دلیل که ثبات در منطقه که یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی چین است را مورد مخاطره قرار می‌دهد. گرچه چین براساس سیاست قبلی‌اش از "خودمختاری" مردم کشمیر حمایت می‌کرد، اما در ۱۹۹۰ شاهد تغییر بزرگی در سیاست این کشور در قبال مسئله کشمیر بودیم (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۸). دو کشور فدراسیون روسیه و هند در ۱۹۹۱ تصمیم گرفتند پیمان سیاسی جدیدی را جایگزین پیمان صلح و دوستی ۱۹۷۱ نمایند که این پیمان برای مدت بیست سال منعقد شد. براساس گزارش رسانه‌های هند، روس‌ها درخواست حذف بندهای مربوط به روابط امنیتی-دفاعی پیمان اولیه را داشتند. مهم‌ترین دلیل هند برای امضای پیمان سابق این بود که در آن مقطع زمانی یعنی ۱۹۷۱ هند در رویارویی با دو کشور چین و پاکستان قرار داشت (صدوقی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۷) پس از تجدید قرارداد مذکور، هند حدود یک میلیون تن غلات به فدراسیون روسیه کمک کرد. هند حتی پس

از فروپاشی شوروی به این کشور همچون کشوری دارای قابلیت بالای هسته‌ای نگاه می‌کرد و این که قادر است در مقابل "نقطه‌بندی شدن" جهان بایستد و به‌عنوان حفاظی در برابر آمریکا و چین عمل کند (Tanham, 1992: 41).

هند در ۱۹۹۲ روابطش را با رژیم صهیونیستی عادی ساخت و دو کشور به مبادله سفیر پرداختند. این در حالی است که به‌عنوان یکی از اعضای مؤسس جنبش عدم تعهد، هند دولت‌های عرب را پشتیبانی می‌نمود و هیچ‌گاه اسرائیل را مورد شناسایی کامل قرار نداد. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ این سیاست تغییر یافت و اسرائیل به دومین عرضه‌کننده قابل اعتماد تسلیحات به هند تبدیل شد. اسرائیل رادار به سرعت هشداردهنده گرین پاین^۱ را به هند فروخت و تمایل داشت تا آن را با فروش موشک‌های ضدبالستیک Arrow 2 کامل کند. همچنین فروش سیستم هوایی به سرعت هشداردهنده فالکون^۲ را به مراحل نهایی‌اش رساند. عده‌ای از تحلیل‌گران اسرائیلی این‌گونه روابط را به‌عنوان ائتلافی از سه ملت دموکرات مسیحی-صهیونیست و هندو علیه جهان اسلام تلقی کردند (Gupta, 2005: 22).

هند به‌طور دائم نگران ظهور گروه‌های افراطی اسلام‌گرا در مرکز، جنوب و جنوب غربی آسیا بوده و تلاش نموده از تروریسم دریایی و رشد دزدی دریایی جلوگیری به عمل آورد.

در این دوره که تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به‌ویژه ۲۰۰۳ به طول انجامید کشورها به سرعت موضع‌گیری‌های امنیتی خویش را تغییر دادند و نوعی ترس، بی‌اعتمادی و هراس پس از فروپاشی نظام دوقطبی جهان در روابط آن‌ها با همدیگر موج می‌زد. چین در ۱۹۹۶ با شراکت روسیه و سه کشور دیگر آسیای مرکزی موافقت‌نامه "شانگهای پنج" را منعقد کردند تا بتوانند ثبات را در طول مرزهایشان به وجود آورند. متأثر از چنین اوضاع ناپایداری در محیط پیرامونی هند بود که در ۱۹۹۸ دولت شبه‌نظامی بی.جی.پی (BJP) در هند بر سر کار آمد و در پی دستور کار آزادسازی تسلیحاتی قابلیت‌های هسته‌ای هند برآمد. در این شرایط، هند دولت چین را تهدید عمده برای امنیت هند برشمرد و در ۱۱ و ۱۳ می ۱۹۹۸ به آزمایش‌های هسته‌ای دست زد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۳۷-۵۳۶). به‌رغم این که هند در مقطع مذکور فاقد قابلیت "بازدارندگی" هسته‌ای کافی در مقابل چین بود، اما از می ۱۹۹۸ درصدد پیشرفت عمده‌ای در کسب و اعاده نوعی "تقارن" در روابط نظامی‌اش با این کشور برآمد.

1. Green Pine
2. Falcon

مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی و امنیتی هند در مقابل چین را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. ایجاد بازدارندگی کارآمد و متعارف در مقابل چین،
 ۲. قطع رابطه حمایت‌آمیز چین از پاکستان و جلوگیری از جریان تسلیحات کشتار جمعی از سوی چین به پاکستان،
 ۳. جلوگیری از استیلای چین بر اقیانوس هند و شبه قاره (صدوقی، ۱۳۸۳: ۴۹).
- جیانگ زمین، رئیس‌جمهور چین، در اولین واکنش مستقیم در مورد آزمایش هسته‌ای هند و پاکستان در ژوئن ۱۹۹۸ دهلی‌نو را به خاطر افزایش تنش در آسیای جنوبی سرزنش کرد. وی هند را متهم کرد چین و پاکستان را مورد هدف قرار داده است و خاطر نشان ساخت که همکاری هسته‌ای چین و پاکستان در زمینه فناوری راکتورهای هسته‌ای صلح‌آمیز بوده و تمامی تأسیسات مربوطه تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. در همان روز روزنامه *چاینا دیلی* از هند به دلیل جاه‌طلبی‌اش برای قدرت جهانی شدن انتقاد کرد و هشدار داد اختلاف طولانی‌مدت هند و پاکستان در مورد کشمیر همانند یک کوه آتشفشان خفته در زیر تهدید هسته‌ای است. وضعیت پس از آزمایش‌های هسته‌ای در آسیای جنوبی در مذاکرات کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا طی دیدارش از چین از ۲۵ ژوئن تا ۳ ژوئیه ۱۹۹۸ مورد بحث قرار گرفت. در اعلامیه مشترک به آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان اشاره گردید و از آن‌ها خواسته شد که CTBT و NPT را امضا کنند و به حل‌وفصل مسائل سیاسی از جمله در مورد کشمیر از طریق گفتگو اقدام کنند (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۳۸).
- در اواخر آوریل ۱۹۹۹ مجاهدین کشمیری تعدادی از پست‌های اطراف خط کنترل مرزی در منطقه کارگیل (راه دسترسی به نیروهای هندی دی سیاجین) را اشغال کردند. هندی‌ها حملات متقابل انجام دادند و نخست وزیر هند پاکستان را تهدید به یک جنگ تمام‌عیار کرد. طی این بحران، چین دیگر بار از پاکستان حمایت کرد و آمریکا موضع طرفدار هند داشت (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۳۹). منازعه ۱۹۹۹ کارگیل فرصت دیگری در اختیار آمریکا قرار داد تا با درخواست عقب‌نشینی نیروهای پاکستان از خط کنترل در کشمیر، نقش مثبت‌تری را به نفع هند ایفا کند.
- متأثر از این اوضاع، در پاکستان پرویز مشرف در نوامبر ۱۹۹۹ طی یک کودتای نظامی به قدرت رسید و این کشور دچار بی‌ثباتی گردید (صدوقی، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۳). در این برهه، هند سیاست "منزوی کردن" پاکستان را تعقیب می‌کرد و نمایندگان به همه کشورهای دنیا فرستاد تا آن‌ها را از اقدامات پاکستان طی بحران کارگیل که مغایر اعلامیه لاهور بود، مطلع نماید. هند از کودتای نظامی ژنرال مشرف در ۱۹۹۹ به‌منظور

خطرناک جلوه دادن پاکستان بهره‌برداری کرد. دولت هند همچنین به مدت دو سال از شرکت در سطوح سیاسی اجلاس سارک خودداری کرد، به این دلیل که نمی‌خواست با نمایندگان رژیم نظامی پاکستان روبرو شود (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۴۰). رژیم صهیونیستی در این جنگ محدود تعدادی از نیروهای نظامی مازاد خویش را در اختیار هند گذاشت و حتی مقداری سلاح و تجهیزات نظامی نیز به هند کمک کرد (Gupta, 2005: 22).

دولت ائتلافی هند از ۱۹۹۸ یک برنامه سیاست خارجی را تصویب کرده بود که این کشور را به آمریکا نزدیک می‌ساخت. کلینتون در دیدار از آسیای جنوبی در مارس ۲۰۰۰ تأکید زیاد برای مشارکت با هند داشت. وی همچنین در نگرانی‌های هند در مورد تروریسم سهیم بود (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۴۰). این دیدار که اولین دیدار رئیس‌جمهور آمریکا از هند پس از ۲۲ سال بود، نشان از تحولاتی اساسی در سیاست واشنگتن داشت. از نظر هند، این واقعیت که دیدار مذکور به دنبال تنش‌های دیپلماتیک بعد از آزمایشات هسته‌ای می ۱۹۸۸ میان دو کشور رخ داد، خود دستاورد مهمی بود.

پس از دیدار وزیر امور خارجه هند در آوریل ۲۰۰۱ از آمریکا، این کشور عزم خود را برای تقویت روابط با دهلی‌نو آشکار ساخت. متعاقب آن، پس از این که بوش در ۱ می ۲۰۰۱ برنامه توسعه سیستم موشکی خود را اعلام کرد، کاندولیزا رایس مشاور امنیت ملی بوش، در موضعی استثنایی و به صورت تلفنی با وزیر خارجه هند مذاکره نمود و این کشور را از سیاست دفاع موشکی آمریکا آگاه ساخت. سپس ایالات متحده ریچارد آرمیتاژ، معاون وزیر خارجه خود را راهی کشورهای هند، ژاپن و کره جنوبی نمود تا به مشورت درباره این موضوع بپردازد (صدوقی، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴). هند از معدود کشورهایی بود که برنامه توسعه سیستم‌های دفاع موشکی ملی (NMD) آمریکا را تأیید نمود. اتخاذ این تصمیم ضمن بر هم زدن محاسبات هسته‌ای چین و پاکستان، باعث شد دولت جدید آمریکا از تغییر نقش هند از یک "قدرت مخالف" به یک "شریک بالقوه" استقبال کند. به دنبال تغییر موضع هند و آمریکا نسبت به همدیگر و در شش‌ماهه نخست پس از آن شاهد وقوع حوادث زیر هستیم:

۱. تروریست‌ها در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۰۱ به مجلس قانون‌گذاری دولت جامو و کشمیر هند حمله کردند.

۲. دولت آمریکا این دو گروه نظامی فعال را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد.

۳. هند نیروهای مسلح خود را به نزدیکی مرزهای مشترک با پاکستان اعزام و از پاکستان درخواست کرد جلوی نفوذ گروه‌های تروریستی از آن کشور و همچنین کشمیر تحت کنترل هند را گرفته و اقدامات جدی و مؤثر در این زمینه به عمل آورد.

۴. پاکستان نیز طی تصمیمی نیروهای خود را در نزدیکی مرزهای مشترک با هند مستقر نمود به گونه‌ای که تحول فوق به بروز یک بحران جدی در روابط بین دو کشور و منطقه منجر گردید.

۵. پاکستان تحت فشار آمریکا ناچار شد سیاست خود مبنی بر حمایت از طالبان را رها نموده و به ائتلاف جهانی علیه تروریسم بپیوندد. بررسی حوادث فوق حاکی از آن است که به‌رغم نزدیکی مجدد آمریکا به پاکستان، زمینه‌های نزدیکی هند و آمریکا بیشتر شد (صدوقی، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۷). در آوریل ۲۰۰۱ شاهد برخورد میان چین و هند بر سر فرود اضطراری یک هواپیمای برج مراقبت Pc-3 نیروی دریایی هند توسط نیروی هوایی چین بوده‌ایم (Gupta, 2005: 5). حکومت هند در دسامبر ۲۰۰۱ نیروهای نظامی خود را بسیج کرد تا پاکستان را وادار سازد از حمایت شورشیان کشمیر دست بردارد و تهدید نمود در صورت دست‌نکشیدن از حمایت شورشیان کشمیر به آنجا حمله خواهد کرد. به‌رحال واجپایی، نخست‌وزیر هند تصمیم گرفت آغازگر جنگ نباشد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

در پاسخ به نزدیکی آمریکا و هند، نخست‌وزیر روسیه (یوگنی پرماکف) در سال ۲۰۰۰ پیشنهادی مبنی بر پی‌ریزی یک مشارکت راهبردی سه‌جانبه با چین و هند را مطرح کرد. این کشور با هند اعلامیه "مشارکت راهبردی" را به امضا رساند که به‌طور ویژه و انحصاری بر مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی تأکید داشت. آن‌ها بیان داشتند ما در مقابل یک جهان به اصطلاح تک‌قطبی قرار داریم و خواهان جهانی "چندقطبی" هستیم (Gupta, 2005: 13). روسیه گنجه تسلیحاتی‌اش را یک بار دیگر به روی هند باز گذاشت به این معنا که فروشندگان غربی اجازه خرید چنین تسلیحاتی را به هند نداده‌اند. بر این اساس، هند به خرید میزان عمده‌ای از تسلیحات و فناوری بالا از طریق روسیه ادامه داد، مثل سیستمی که به‌طور بالقوه ساختار قدرت نیروگاه‌های هسته‌ای هند را افزایش می‌دهد (Gupta, 2005: 14). دولت هند متأثر از فروپاشی ساختار دوقطبی جهان، روابط امنیتی‌اش را به‌طور ناپایدار و لرزان تاکنون حفظ کرده است.

هند از وقایع ۱۱ سپتامبر به نحو خوبی بهره‌برداری کرد:

۱. این وضعیت باعث شد دولت آمریکا در مقابل آزمایش موشک میان‌برد هند، آگنی یک (Agni I)، هیچ‌گونه انتقادی به عمل نیآورد.
۲. هند به یاری افغانستان توانست این تردید را در جهان غرب به وجود آورد که پاکستان نه تنها همکاری مطمئن برای مبارزه علیه تروریسم نیست بلکه این کشور مهد تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی می‌باشد (ملازهی، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۷).

۳. هند مرز بین عملیات استقلال طلبانه کشمیری‌ها و القاعده و طالبان را برداشت و تاحدودی در این اقدام موفق بود (ملازهی، ۱۳۸۵: ۴۸).

۴. درخصوص مبارزه با تروریسم، دو کشور چین و هند از سال ۲۰۰۲ گفتگوهای حول مبارزه با تروریسم را آغاز کردند که نخستین بار این گفتگوها در آوریل همان سال در دهلی‌نو برگزار شد. دور دوم مذاکرات دو جانبه آنان پیرامون تروریسم در ۲۰۰۳ برگزار شد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۴۲).

از مقطع مذکور، هند درصدد برآمد روابطش را با چین عادی سازد. سفر واجپایی، نخست وزیر این کشور به چین در ۲۰۰۳ را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. دو کشور پذیرفتند نمایندگان خاصی را برای حل اختلافات مرزی خود تعیین نمایند. مهم‌تر از آن، هند بیان داشت تبت بخشی از چین است. چین متقابلاً به طور ضمنی پذیرفت ایالت سیکیم^۱ بخشی از هند می‌باشد (Gupta, 2005: 34).

هند در حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق از اعزام نیروهایش به یاری آمریکا خودداری کرد، زیرا این حمله رأی سازمان ملل را به همراه نداشت. به نظر می‌رسد کاهش تنش‌های شبه‌قاره و جنوب آسیا باعث شد هند با اقتدار بیشتری عمل کند و راهبرد جدیدی را برای خود ترسیم نماید. واجپایی در ۱ نوامبر ۲۰۰۳ مرزهای راهبردی هند را به شرح زیر بیان داشت: "راهبردهای دفاعی ما باید به خوبی به فراسوی محدوده‌های جغرافیایی جنوب آسیا گسترش یابد. محیط امنیتی ما، از خلیج فارس تا تنگه‌های مالاکا در سرتاسر اقیانوس آرام را در بر می‌گیرد و شامل آسیای مرکزی و افغانستان در شمال غرب، چین در شمال شرق و آسیای جنوب شرق می‌باشد" (صدوقی، ۱۳۸۳: ۲۹).

۵. دوران حرکت از "چندجانبه‌گرایی" به سمت "وضوح استراتژیک" همراه با ائتلاف با غرب

هند تا سال ۲۰۰۳ تمایل داشت آمریکا بر ژنرال مشرف فشار آورد تا به تروریسم مرزی پایان دهد، اما موفق به این کار نشد. همان‌گونه که سی راجه موهان توضیح می‌دهد: در هند این نگرانی وجود داشت که ایالات متحده یا تمایلی ندارد یا نمی‌خواهد پاکستان را به پایان دادن تروریسم مرزی‌اش وادار سازد. ندهای جدید آمریکا برای گفتگو با پاکستان مزید بر علت شد (Gupta, 2005: 25-26). پارلمان هند به صورت یکپارچه به عنوان واکنشی پیرامون نگرانی‌اش در مورد جهان "تک‌قطبی" حمله آمریکا به عراق در مارس

۲۰۰۳ را محکوم کرد. تحت تأثیر فضای فوق و درگیر شدن آمریکا در جنگ عراق، دو کشور هند و پاکستان در ژوئن ۲۰۰۴ توافق کردند خطوط مستقیمی را میان معاونان وزارت خارجه و مسئولان نظامی شان برقرار کنند تا جلوی سوء تفاهمات متقابل را بگیرند و ریسک‌های مرتبط با مسائل هسته‌ای شان را کاهش دهند (Gupta, 2005: 30). نخست وزیر هند در سپتامبر همین سال در مقابل سازمان ملل نگرانی هند را این‌گونه بیان نمود: "ما باید در پی ائتلاف جهانی علیه تروریسم باشیم و از انتخاب رویکردهای گزینشی و مصلحتی در این رابطه پرهیز کنیم. باید با اشتراک منافع و تبادلات اطلاعاتی به یک هدف واحد و شفاف نایل شویم" (Gupta, 2005: 26). تحلیل‌گران هندی اعتقاد داشتند که وابستگی هند به آمریکا و حمایتش از "اهداف منطقه‌ای" واشنگتن باعث شده هند اعتبار نظامی‌اش را در برابر پاکستان هزینه نماید. آمریکا قادر نبوده هند و پاکستان را بر سر میز مذاکره بنشانند و التزامی میان آن دو کشور به وجود آورد.

پیشرفت‌های منطقه‌ای هر چند اندک سازمان شانگهای (۲۶ آوریل ۱۹۹۶) هند را ترغیب نمود به عضویت این سازمان درآید. بر همین اساس، در جریان نشست سران در ۲۰۰۵ در آستانه پایتخت قزاقستان، با پذیرش کشورهای جمهوری اسلامی ایران، پاکستان و هند به عنوان اعضای ناظر جدید توافق شد (سبحانی، ۱۳۸۶: ۷). روند امور حاکی از آن بود که هند به‌رغم گرایش به آمریکا، از توسعه مناسبات با سایر منابع قدرت غفلت نکرده است. هند برای عضویت در سازمان شانگهای، از حمایت روسیه برخوردار بود. سازمان مذکور برای هند به‌منزله پلی است که این کشور را به آسیای میانه پیوند می‌دهد و ابزار اعمال فشار بیشتر به پاکستان را در اختیار آن قرار می‌دهد. مسئله کشمیر و جدایی‌طلبی آسام در شرق نیز می‌تواند به تمامیت ارضی هند لطمه وارد سازد. در عین حال، هند تمایلی به دستیابی این سازمان به موافقت‌نامه‌های نظامی نداشت (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). واشنگتن درک کرد در صورت عضویت دائم هند و دیگر اعضای ناظر سازمان مذکور، موازنه قوا در آسیا به ضرر آمریکا تغییر می‌کند. بر این اساس، در ۱۸ جولای ۲۰۰۵ هند و آمریکا توافق‌نامه‌ای را به امضا رساندند که دو کشور را به همکاری‌های راهبردی سوق می‌داد. آن بخش از توافق‌نامه که هند و آمریکا را به سوی همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز هدایت می‌کرد، اهمیت راهبردی داشت (شفیعی، ۱۳۸۵: ۸). به عبارت دیگر، هند که از سال ۱۹۹۸ و به دلیل آزمایش‌های هسته‌ای مورد تحریم آمریکا قرار گرفت، طی ۷ سال توانست آمریکا را متقاعد به پذیرش توافق هسته‌ای با خود کند. گو این که تمایل آمریکا در استفاده از هند برای مهار چین در آسیا را نباید از نظر دور داشت (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۲۳). آمریکا به جز توجه به "توازن

آسیایی"، مراقب قدرت روابط رو به رشد روسیه، چین، هند و ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ بود (Lall, 2008: 36-38).

در نشست مارس ۲۰۰۶ جورج بوش و مان موهان سینگ، نخست وزیر هند، دیگر بار توافق‌نامه همکاری هسته‌ای دو طرف مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مدتی بعد نشست سه‌جانبه‌ای میان چین، هند و روسیه برگزار شد. براین اساس، هند از یک سو با روسیه، چین و ایران رابطه نظامی برقرار کرد و از سوی دیگر و به طور همزمان با آمریکا، ناتو، استرالیا، رژیم صهیونیستی و ژاپن وارد چنین رابطه‌ای شد. با این حال هند همواره به سوی "ائتلاف غرب" متمایل بود (قدیری، ۱۳۸۸: ۶۱).

در دسامبر ۲۰۰۶ کنگره آمریکا قانونی را تصویب کرد که به دولت اجازه می‌داد سوخت و تکنولوژی هسته‌ای را برای اولین بار پس از ۳۰ سال به دیگر کشورها صادر کند. در این چارچوب، هند تلاش کرد تا برنامه هسته‌ای نظامی و غیرنظامی‌اش را بدون امضای NPT به پیش ببرد و این پایانی بر "آپارتاید هسته‌ای" علیه هند باشد. از جمله بندهایش این بود:

۱. جلوی برنامه هسته‌ای هند در چارچوب اهداف نظامی‌اش گرفته نخواهد شد.
۲. در مواقع قطع عرضه سوخت، هند و آمریکا به‌طور مشترک با دیگر عرضه‌کنندگان سوخت مثل روسیه، فرانسه و انگلستان پیرامون عرضه مجدد تصمیم‌گیری خواهند کرد.
۳. هند می‌تواند "ذخایر راهبردی" سوخت هسته‌ای خود را گسترش دهد.
۴. آمریکا این حق را دارد که سوخت هسته‌ای و تکنولوژی عرضه‌شده به هند را برگرداند.

قانون Hyde سال ۲۰۰۶ آمریکا این قدرت را به "رئیس جمهور" آمریکا می‌داد که اگر هند دست به یک آزمایش هسته‌ای بزند، وی به‌طور تام‌الاجتبار به همکاری‌های هسته‌ای با این کشور پایان دهد (Lall, 2008: 42-44). آمریکا و هند در ۲۰ جولای ۲۰۰۷ به نقطه عطفی در مذاکرات دو ساله‌شان رسیدند. بر این اساس، توافق‌نامه مذکور تا ۴۰ سال اعتبار خواهد داشت. آمریکا و هند باید گروه فروشندگان تسلیحات هسته‌ای را ترغیب کنند تا خط‌مشی‌هایشان را تغییر دهند و با سازمان انرژی اتمی به توافقی نایل آیند (Lall, 2008: 39-41). همچنین هند به همراه چهار کشور ژاپن، آمریکا، استرالیا و سنگاپور در اولین هفته سپتامبر ۲۰۰۷ تمرینات دریایی مشترکی را انجام دادند (Lall, 2008: 45-47). در آوریل همین سال، آزمایش موشک "آگنی ۳" با برد سه هزار کیلومتر انجام گرفت. این اقدام گام مهمی برای ورود عملی هند به عرصه

بازیگری قدرت‌های بزرگ بود. آگنی ۳ می‌توانست شانگهای و سایت‌های موشکی راهبردی پاکستان را هدف قرار دهد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۲۳).

در ژانویه ۲۰۰۸ فصل جدیدی در همکاری هند و رژیم صهیونیستی نیز گشوده شد. هند یک ماهواره جاسوسی اسرائیلی را به هوا فرستاد. همکاری دوجانبه وارد حوزه هسته‌ای هم شد. قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۷ آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از همه کشورهای خاورمیانه می‌خواست تا ساخت بمب هسته‌ای را کنار بگذارند. آمریکا، کانادا، گرجستان و هند در دفاع از رژیم صهیونیستی به این قطعنامه رأی ممتنع دادند. (قدیری، ۱۳۸۸: ۶۲).

پس از عقد قرارداد غیرنظامی چین و پاکستان، مان‌موهان سینگ، نخست وزیر هند در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸ به ژاپن سفر کرد. توافقی امنیتی میان دو کشور منعقد شد که امنیت آسیا-پاسیفیک از موضوعات مورد توجه آن‌ها بوده است. نگرانی دو کشور از قدرت در حال افزایش چین، عامل عمده همکاری‌ها به‌شمار می‌رود. به عبارتی دقیق‌تر، هدف مشترک برقراری موازنه قدرت آسیایی است (محمودی، ۱۳۸۷: ۴۳).

روزنامه هندوستان تایمز در مارس ۲۰۰۹ نوشت: "ارتش هند مدت‌هاست از حمله چین نگران است. هند و چین در پی روانه کردن ناوگان زیردریایی هسته‌ای خود به سوی اقیانوس هند و آرام هستند. هند از دولت در تبعید تبت و دالایی‌لاما حمایت می‌کند. روابط میان هند و سریلانکا در سال ۲۰۰۹ رو به تیرگی گذاشت. دولت سریلانکا هند را به حمایت از ببرهای تاملیل متهم کرد. اما این تیرگی روابط را باید در چارچوب چالش "ژئواستراتژیک" میان ائتلاف غرب و اورآسیا در اقیانوس هند ارزیابی کرد. هند علیه منافع چین در اقیانوس هند کار می‌کند و همزمان با آمریکا و متحدانش همکاری نزدیکی برقرار کرده است. سریلانکا نیز به روسیه و چین نزدیک شده است (قدیری، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۲).

جایگاه تسلیحاتی - نظامی هند

۱. ظرفیت نظامی-دفاعی هند

هند به لحاظ نظامی و دفاعی قدرت برتر منطقه جنوب آسیا است که از قابلیت‌های قابل توجهی برخوردار می‌باشد. این کشور یکی از بزرگ‌ترین تشکیلات نظامی و دفاعی جهان را داراست که حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر پرسنل دارد. بیشترین تعداد این نیروها در مرزهای مشترک با چین و پاکستان مستقر هستند. نیروی دریایی هند که تا اواسط دهه ۱۹۹۰ بیشتر به یک گشت ساحلی شباهت داشت به یک ناوگان قوی در اقیانوس هند تبدیل شده است. طبق آمار ارائه شده در کتاب اطلاعات پایه سازمان

اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) هند دارای ۸۰۰ هواپیمای جنگی و نظامی است که بخش عمده آن‌ها را میگ ۲۱ روسی تشکیل می‌دهد. هند هواپیماهای پیشرفته Su-30 و میراژ ۲۰۰۰ را خریده است. هنگ‌های زرهی آن نیز در حال دریافت T-90 روسی است.

طی دهه گذشته رژیم صهیونیستی به دومین عرضه‌کننده بزرگ تسلیحات به هند تبدیل شده است. این تسلیحات شامل سیستم هشدار سریع فالکون، سیستم موشکی ضد بالستیک آرو و سیستم‌های هوایی بدون سرنشین است (صدوقی، ۱۳۸۵: ۹-۱۱). نیروی هوایی هند در حال پیشبرد طرحی موسوم به SU-30 S است تا جزایر آندامن را که متعلق به این کشور است اما ۱۲۰۰ مایل از سواحلش فاصله دارد، در تیررس قرار دهد و قابلیت ضربه‌ای را دارا شود که بتواند تا سواحل جنوب شرق آسیا را در نوردد. این اقدام جلوی حمله ناگهانی چین به اقیانوس هند را خواهد گرفت. زیردریایی‌های هسته‌ای هند به موشک‌های Klub با برد ۳۰۰ کیلومتر و موشک‌های فراصوتی Brahmospj-10 مجهز هستند که به نیروی دریایی هند قابلیت ضربه دوم علیه چین را می‌دهند (Gupta, 2005: 35).

در می ۲۰۰۸ روزنامه تایمز هند گزارش داد دانشمندان نظامی هند پیش‌بینی کرده‌اند این کشور تا سال ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۱ به ساخت موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای، موشک‌های بالستیک زیردریایی و موشک دفاعی بالستیک دست می‌یابد (قدیری، ۱۳۸۸: ۶۱). همچنین، پروسه جداسازی تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی هند به صورت مرحله‌ای تا سال ۲۰۱۴ اجرا خواهد شد (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱۴).

۲. جایگاه هند در میان مخارج نظامی جهان

هند و چین یعنی دو اقتصاد در حال ظهور جهان، افزایش مستمری را در مخارج نظامی‌شان نشان می‌دهند. مخارج آن‌ها با رشد اقتصادی پیوند ناگسستنی دارد. هند طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۹، ۱/۵۲ درصد از مخارج نظامی کشورهای جهان را به خود اختصاص داد که به رتبه یازدهم جهانی دلالت دارد (Shah, 2009: 4). دولت آمریکا به‌تنهایی مقام اول یعنی ۴۸ درصد هزینه‌های نظامی جهان را دارا بوده است. چین و روسیه نیز به ترتیب مقام دوم و سوم یعنی ۸/۲۸ و ۴/۷۵ درصد را از آن خود کرده‌اند. ایران مقام ۲۲ یعنی ۰/۴۹٪ و پاکستان نیز مقام ۳۳ یعنی ۰/۲۹٪ را داشته‌اند (Shah, 2009: B-14).

۳. دولت هسته‌ای درجه سوم

روسیه و آمریکا دولت‌های درجه یک هسته‌ای هستند که نسبت به نزدیک‌ترین رقبایشان شمار بسیار بیشتری تسلیحات هسته‌ای دارند. توانایی مقابله به مثل و بازدارندگی هسته‌ای دیگر دولت‌ها برای آن‌ها مقدور است. قدرت‌های هسته‌ای درجه دو انگلیس، فرانسه و چین محسوب می‌گردند. قدرت‌های هسته‌ای درجه سه دولت‌هایی را شامل می‌شود که توانایی آن‌ها محدود به منطقه پیرامونی آن‌هاست و قابلیت بازدارندگی در برابر دولت‌های درجه یک و دو را ندارند. هند، رژیم صهیونیستی، پاکستان و کره شمالی در رتبه دولت‌های درجه "سه" قرار می‌گیرند.

هند به نوعی ناوگان زیردریایی هسته‌ای نیازمند است تا توانایی و قابلیت ضربه دوم را در مقابل دو کشور چین و پاکستان داشته باشد. این کشور به دلیل مشکلات مالی تاکنون قادر نبوده زیردریایی‌های پر قدرت هسته‌ای آکولا^۱ را از روسیه خریداری کند (Gupta, 2005: 18-19). نداشتن موشک‌های بالستیک میان‌قاره‌ای و زیردریایی‌های جدید قابلیت بازدارندگی هند را در مقابل کشوری مثل چین کاهش می‌دهد.

بر این اساس، هند قابلیت هسته‌ای درجه دومی را در برابر چین داراست که می‌تواند شهرهای درجه دوم آن را در مناطق جنوب غربی این کشور و نه قلب صنعتی‌اش هدف قرار دهد. هند حتی در صورت حمله به شهرهای درجه دوم چین این قابلیت را ندارد که از اقدامات تلافی‌جویانه این کشور علیه خود ممانعت به عمل آورد. از طرف دیگر، همان‌گونه که بهارات واریوالا بیان کرده اگر تسلیحات هسته‌ای "سکه رایج" قدرت بین‌المللی باشد، باید قابلیت نمایش آن نیز وجود داشته باشد.

جالب این است که این وضعیت قدرت هسته‌ای درجه سوم برای هند محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های بین‌المللی به همراه داشته و از طرف قدرت‌های عمده جهان در مذاکرات خلع سلاح جهانی دعوت نشده، چرا که سکه‌ای را که نشان خواهد داد معیوب و ضعیف است. برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اگر هند بخواهد نقش کشوری ثبات‌بخش را در آسیا بازی کند نیازمند آن است تا محدودیت‌های وارده بر قابلیت‌های هسته‌ای و متعارفش را کاهش دهد (Gupta, 2005: 20)

نقاط آسیب‌پذیری هند

۱. همسایگان کوچک

حکومت‌های همسایگان کوچک هند، سریلانکا، پاکستان، بنگلادش، بوتان و نپال بی‌ثباتند. در صورتی که حکومت‌های مذکور ثبات داشتند می‌توانستند با حکومت هند

به‌طور فعالانه همکاری کنند. معضلات قومی و درونی برخی از این کشورها به مرزهای هند سرایت می‌کند و باعث مشکلات امنیتی می‌گردد. مسئله کشمیر با پاکستان، تاملیل‌ها در جنوب، بنگال‌ها در غرب و معضلات شمال شرقی شامل برمه از این دسته‌اند. دولت‌های کوچک مذکور بیشتر درصددند با پشتیبانی و کمک از طرف قدرت‌های خارج از منطقه، قدرت فزاینده هند را "متوازن" سازند (Tanham, 1992: 27-28). دهلی‌نو به این ابزار قدرت‌های خارجی در منطقه به عنوان نوعی "خیانت" به تمامیت سرزمینی منطقه نگاه می‌کند. مثلاً دوره همکاری سریلانکا با آمریکا و نپال و بنگلادش با چین باعث رنجش هند شد و لذا درصدد عمل متقابل برآمد. در رابطه با همسایگان کوچک، راهبرد منطقه‌ای هند متضمن موارد زیر است:

۱. هندی‌ها اجازه نخواهند داد حکومت‌های خارجی در منطقه نوعی "حضور" یا "نفوذ" داشته باشند که این کشور آن را "غیردوستانه" ارزیابی کند.
۲. هندی‌ها اجازه نخواهند داد هیچ دولت همسایه‌ای چنان تعهدی در امور خارجی یا سیاست دفاعی‌شان پذیرا شوند که از نگاه هند به‌طور بالقوه مخل امنیت آنان باشد. بعضی اصول فوق را تحت عنوان "دکترین هند" توصیف کرده‌اند. در این چارچوب، الحاقیه ۱۹۸۷ هند و سریلانکا، استخدام مشاوران امنیتی خارجی و تأسیس ایستگاه‌های پخش اخبار را در سرزمین خودی توسط خارجی‌ها محدود می‌نمود (Tanham, 1992: 28-29).

۲. بی‌ثبات‌کننده‌های منطقه‌ای: پاکستان و افغانستان

عده‌ای از تحلیل‌گران هندی می‌گویند وجود پاکستان وحدت شبه قاره هند را تهدید می‌کند. دولت‌هایی مثل چین و ایالات متحده و برخی از دولت‌های اسلامی از طریق پاکستان وارد منطقه شده‌اند. پاکستان نیروی دریایی‌اش را توسعه داده تا حدی که می‌تواند با هند درگیر شود.

از زمان جدایی پاکستان از هند در ۱۹۴۷ این کشور فرض "برتری منطقه‌ای" هند را به چالش طلبیده است (Tanham, 1992: 32-33). نگرانی هند این بوده است که آمریکا برای پاکستان و هند به یک اندازه ارزش قائل شود و در مقطعی اعتقاد بر این بوده که این کشور حاضر نبوده بر پاکستان آن قدر فشار وارد کند تا حمایتش را از گروه‌های جهادی کشمیر قطع کند (Gupta, 2005: 15).

حکومت هند در ۲۰۰۵ دولت آمریکا را مورد انتقاد قرار داد که وعده‌های خود پیرامون پاکستان را فراموش نمود (Gupta, 2005: 26). بر این اساس، تا زمانی که هند بتواند ابزارهای دوجانبه‌اش را برای نوع رفتار با پاکستان توسعه بخشد، ارتباط پاکستان

با واشنگتن نیز تداوم خواهد یافت. همچنین، اقدام هند در تأسیس پایگاه هوایی در کشورهای آسیای مرکزی مثل تاجیکستان برای این بوده تا تلاش‌های پاکستان را در راستای ایجاد "عمق دفاعی" در منطقه خنثی سازد (Gupta, 2005: 38). سیاست کلی هند در برابر افغانستان از این اصل که "دشمن دشمن من، دوست من می‌باشد"، سرچشمه می‌گیرد. براساس راهبرد هند تا زمانی که حکومت کابل دشمن پاکستان می‌باشد، دهلی‌نو از این حکومت پشتیبانی به عمل می‌آورد (Tanham, 1992: 34-35). هند فعالانه با حکومت کرزای رابطه برقرار ساخته و حضور دیپلماتیک عمده‌ای در شهرهای افغانستان دارد و به توافقی در راستای آموزش نیروهای مسلح افغان دست یافته است.

۳. چین: رقیب منطقه‌ای

چین به خاطر وسعت، جمعیت و قابلیت نظامی شامل توانایی هسته‌ای، تهدید نظامی خارجی عمده‌ای برای هند به حساب می‌آید. سه نوع تهدید در این رابطه به چشم می‌خورد:

۱. چهار هزار کیلومتر مرز مشترک با هند
 ۲. پشتیبانی از همسایگان هند مثل پاکستان
 ۳. چالش بالقوه‌ای برای برتری هند در آسیای جنوبی.
- بدترین دلخوری هند و چین در جنگ مرزی ۱۹۶۲ رخ داد. اعلامیه یک‌جانبه چین در راستای حاکمیت بر جزایر جنوب و دریاهای شرق چین، فعالیت‌هایش در برمه و انفجار هسته‌ای ژوئن ۱۹۹۲ بی‌اعتمادی هند را در پی داشت (Tanham, 1992: 36-39). ناظران هندی نگران حضور فزاینده چین در اقیانوس هند می‌باشند؛ به‌ویژه استفاده چین از بنادر میانمار و پاکستان. به عقیده آن‌ها توسعه بندر گوادر پاکستان توسط چین به نیروی دریایی این کشور کمک می‌کند تا هند را محصور کند.
- همچنین، تحلیل‌گران هندی معتقدند پیشرفت در امور تجاری با چین ضمن کمک به شفافیت دوجانبه، شورش‌های موجود در مناطق شمال شرق و شرق کشور را کاهش خواهد داد (Gupta, 2005: 35). روابط چین و هند قابلیت پیشروی در سه مسیر را داراست: همزیستی، همکاری و کشمکش، هر چند مقاصد چین مورد تردید واقع شود، هند با جدیت بیشتری تلاش می‌کند تا وضع موجودش را تغییر دهد.

۴. مخالفان رابطه هسته‌ای هند و آمریکا

الف) مخالفان داخلی هند

حزب اتحاد یک‌پارچه در حال پیشرفت و کنگره ملی هند تمایل دارند این کشور در چارچوب سیاست سنتی جنبش "عدم‌تعهد" در نظام بین‌المللی رفتار نماید. وزیر خارجه وقت هند ناتوار سینگ بیان نموده که رفتار در قالب جنبش عدم‌تعهد به‌طور مؤثری منافع کشور را تأمین کرده است. مردم هند دیگر نمی‌پذیرند که "جزیی" از هیچ اردوگاه و کشوری هر چند قدرتمند باشند (Gupta, 2005:31). مخالفان رابطه هسته‌ای غیرنظامی با آمریکا، طیف وسیعی از افکار عمومی، حکومت و جامعه هند، مقامات سازمان انرژی هسته‌ای هند و بعضی از دیپلمات‌های برجسته پیشین را شامل می‌شود.

آقای واجپایی، نخست‌وزیر سابق و دکتر کاکودکار رئیس سابق سازمان انرژی اتمی هند دو چهره برجسته از مخالفین بوده‌اند (شفیعی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱). احتمالاً بخشی از نگرانی‌های حزب بی‌جی پی این بوده که دوست داشت این تحول راهبردی در دوره زمامداری این حزب اتفاق بیفتد و نه در دوره زمامداری حزب کنگره. هند برای رسیدن به توافقی "دائم" با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بی‌رغبت است مگر این که دستیابی همیشگی‌اش به مواد هسته‌ای تضمین گردد. آی. ان پراساد، مدیر سابق مرکز تحقیقات اتمی بهابها در مجله *عصر آسیا* گفته است: "مسئله هسته‌ای هند یک جواهر هدایی است که نباید قربانی مصالح سیاسی گردد" (Lall, 2008: 43-45). گرچه مان موهان سینگ توافق مذکور را به عنوان "مذاکرات پیروزی" برای هند برشمرد، اما این گفتار تحلیلی زودرس بود.

ب) واکنش‌ها در آمریکا

یکی از سرسخت‌ترین مخالفان همکاری هسته‌ای هند و آمریکا، کنگره آمریکا است. استدلال واکنش‌گرایان در آمریکا این است که هند NPT را امضاء نکرده و رفتاری بد پیشه ساخته است. بدتر از آن هنگامی است که با جمهوری اسلامی ایران رابطه برقرار کند (Lall, 2008: 44-49). نگرانی‌های مخالفان از این بابت است که چگونه می‌شود آمریکا با کشوری رابطه هسته‌ای برقرار کند که تأسیسات هسته‌ایش دو منظوره‌اند. بنابراین، ممکن است در مسیر نظامی مورد استفاده قرار گیرد.

ج) واکنش پاکستان

از نگاه پاکستان، تا زمانی که هند قادر است از طریق "توافق‌نامه هسته‌ای" با آمریکا میزان مواد شکافت‌پذیر تسلیحات هسته‌ایش را توسعه بخشد، ثبات راهبردی منطقه تهدید می‌گردد. آمریکا ادعای پاکستان که "بازتولید سوخت" مورد نیاز هند خارج از نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت می‌گیرد را انکار کرده است. این مسأله باعث خواهد شد پاکستان از طریق رابطه نزدیک‌تر با چین درصدد "توازن قوا" در آسیا برآید (Lall, 2008: 45-47).

د) تأثیر بر چین

دولت چین جزو عرضه‌کنندگان سوخت هسته‌ای است و در رابطه با تأثیر توافق مذکور بر چین نگرانی دارد. همچنین بیشتر نگران مربعی دموکراتیک شامل هند، آمریکا، استرالیا و ژاپن است که تحت عنوان جبهه "ضدچینی" دیده می‌شوند (The Asian Age, 2007: 1-2).

ه) دیگر اعضای قدرتمند باشگاه هسته‌ای

روسیه، انگلیس، کانادا و فرانسه نیز با این همکاری مخالفند. از نظر این کشورها، همکاری هند و آمریکا در صورتی جایز است که دهلی نو قوانین و مقررات هسته‌ای جهانی را بپذیرد.

۵. شراکت در عملیات "حفظ صلح" بین‌المللی

هند زمانی نیروهای خود را در راستای عملیات نظامی مشترک یا حفظ صلح گسیل می‌دارد که مشروعیت این عمل بنا بر قطع‌نامه سازمان ملل یا دیگر سازمان‌های چندجانبه تأیید شده باشد. بدین لحاظ هند در ۲۰۰۳ به عراق نیرو نفرستاد، چرا که اتفاق‌آرایی در این راستا صورت نگرفت. بیان شده که حکومت هند تمایل داشت در صورت ممکن به حفظ صلح در سواحل اقیانوس هند و منطقه وسیع‌تر آسیا همت گمارد. آنچه می‌تواند هواداری بیشتر هند را در رابطه با صلح جهانی و به‌ویژه منطقه آسیا به همراه آورد، شناسایی نقش منطقه‌ایش و نیز شناسایی رسمی نقش جهانی‌اش از طریق عضویت در شورای امنیت سازمان ملل می‌باشد. هند با آمادگی تمام، کشتی‌های نیروی دریایی خود را به کار گرفت تا امنیت دریایی را برای اجلاس ۲۰۰۳ اتحادیه آفریقا فراهم کند. هند نیروهای دریایی خود را در سواحل کشورهای چون تایلند،

سنگاپور و فیلیپین به حرکت می‌اندازد تا به کنترل دزدی دریایی، تسلیحات، ترافیک آرام و دیگر تهدیدات دریایی پردازد.

جایگاه ایران در راهبرد نظامی هند

در اوایل سال ۱۹۵۱ دولت‌های ایران و هند معاهده‌ای به نام معاهده "دوستی و صلح دائمی" امضا نمودند. اما در عمل، مدت کوتاهی بعد، طرفین عمیقاً وارد اتحادهای متعارض زمان جنگ سرد شدند که این جدایی تا زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران و حتی چند سال بعد از آن ادامه داشت. مشارکت ایران در پیمان بغداد (که بعدها سنتو نام گرفت) و حمایتش از دولت پاکستان طی جنگ‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ هند و پاکستان باعث گردید ایران به عمق راهبردی اسلام‌آباد تبدیل گردد (صدوقی، ۱۳۸۵: ۲۰).

اولین سازوکار نهادی برای هدایت روابط ایران و هند، کمیسیون مشترک ایران و هند است که در سال ۱۹۸۳ ایجاد شد. مرحله بعدی در روابط دو کشور، امضای "بیانیه تهران" بود که توسط آقای خاتمی، رئیس جمهور وقت ایران و واجپایی، نخست‌وزیر هند در ۲۰۰۱ امضا شد. یکی از سازوکارهای مهمی که از این دیدار پدیدار شد، گفتگوی راهبردی ایران و هند است. در اکتبر ۲۰۰۱، اولین نشست در این باره در دهلی‌نو روی سه حوزه موضوعی برگزار گردید: دیدگاه‌های امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست‌های دفاعی-امنیتی ایران و هند و موضوعات مرتبط با دستور کارهای خلع سلاح بین‌المللی. براساس بیانیه "دهلی‌نو" که در سال ۲۰۰۳ طی دیدار آقای خاتمی از هند صادر شد، در مورد تروریسم بین‌المللی و اینکه مسأله عراق باید از طریق سازمان ملل حل‌وفصل شود، بحث گردید. موضوع افغانستان و همکاری برای بازسازی آن نیز از دیگر بندهای این نشست بود (صدوقی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۲).

برخی ناظران هندی معتقدند، همان‌گونه که چین در مسئله کره شمالی براساس مذاکرات "شش‌جانبه" برای آمریکا و حفظ صلح جهانی نقش‌آفرینی می‌کند، هند نیز می‌تواند "تسهیل‌کننده" امر مذاکرات با کشورهایی چون ایران باشد (Gupta, 2005: 43-45). نقش راهبردی هند در محیط امنیتی ایران تا حد زیادی تابع نقشی است که عمدتاً آمریکا، رژیم صهیونیستی و پاکستان در محیط امنیتی هند بازی می‌کنند. انتظار آمریکا از هند این است که به تحریم‌های بین‌المللی در ارتباط با ایران ملحق شود تا این کشور تحقیقات پیرامون تکنولوژی غنی‌سازی‌اش را کنار بگذارد. برعکس، ایران امیدوار است با نهایی شدن مذاکرات "خط لوله صلح" درگیری دیرینه هند و پاکستان در مورد منطقه کشمیر نیز پایان گیرد (مؤدب، ۱۳۸۶: ۲۶). به هر حال، سیاست ضد ایرانی آمریکا می‌تواند مذاکرات مذکور را تحت‌الشعاع قرار دهد. اگر دولت آمریکا موضع کنونی

خویش مبنی بر ارجحیت دادن به هند را در آسیا در مقابل چین و روسیه دنبال کند، چشم‌انداز محدودی برای ایفای نقش هند در محیط امنیتی ایران وجود دارد. از سوی دیگر، افزایش منافع هند و نیاز فزاینده این کشور به منابع انرژی نیز می‌تواند دهلی نو را ناچار به تعامل بیشتر با قدرت‌های منطقه‌ای مهمی چون ایران کند.

نتیجه‌گیری

نهری بهترین گزینه برای هند را نوعی "ترکیب صنعتی- نظامی بومی" می‌دانست که این کشور را از تنگنای خارجی نجات دهد. با گذشت زمان، حضور هند در سازمان همکاری شانگهای فرصت مناسبی برای این کشور بوده است تا در عین برقراری روابط با دو قدرت مخالف آمریکا یعنی چین و روسیه، روابط خوبی نیز با آمریکا داشته باشد و از این کارت برای کسب امتیاز از این قدرت‌ها استفاده کند. این مشارکت واکنش واقعی نسبت به "تغییرات قدرت" در محیط پیرامونی و دور دست است. اگر روسیه طی سال‌های گذشته منبع مطمئنی برای فروش تسلیحات نظامی به هند بوده، اکنون هند درصدد برآمده تا خود را به فناوری روز دنیا مجهز کند.

توافق‌نامه هسته‌ای ۲۰۰۵ هند و آمریکا را در این راستا می‌توان تعبیر کرد. با پیشرفت در روابط فوق، هند به تدریج در مسیر جدیدی گام می‌نهد که در گذشته اجازه آن را نداشت. برعکس، اگر مسیر همکاری‌های هسته‌ای دوجانبه به بن‌بست گراید، واشنگتن نیز دیگر قادر نخواهد بود متحد مطمئنی مثل هند در آسیا دست و پا کند. این دوره "آزمون و خطای" هند و آمریکا می‌باشد. برای این که هند تحت عنوان دولت هسته‌ای مشروعی به رسمیت شناخته شود، روابطش با آمریکا باید ترمیم گردد. آمریکا انتظار دارد روابط دوجانبه‌اش با هند به پیشبرد منافع جهانی آمریکا، شکست تروریسم، ترقی دموکراسی، مقابله با اشاعه تسلیحات هسته‌ای در اقیانوس هند بیانجامد. هند به سوی "ائتلاف غرب" متمایل شده است. هدف این ائتلاف مقابله با چین و روسیه است.

پیش‌بینی می‌شود هند در حال تبدیل شدن به یک بازار سلاح برای آمریکا طی دهه‌های آینده باشد. این به معنای آن است که نوعی وابستگی نظامی بین هند و آمریکا به وجود آید که بر اثر آن هند نه تنها از لحاظ ساختار نظامی وابسته به آمریکا می‌شود، بلکه رابطه نظامی این کشور با متحدین سابق خود به ویژه روسیه کم‌رنگ‌تر خواهد شد. دموکراتیک بودن نظام سیاسی و همسایگی با محتمل‌ترین رقیب آمریکا در نظام بین‌الملل آینده یعنی چین، کشور هند را به یک متحد بالقوه راهبردی برای آمریکا در جنوب آسیا تبدیل کرده است. هند اکنون امیدوار است به عضویت دائم شورای امنیت

درآید، با چین به عنوان رقیب دیرینه خود به زبان دیگری سخن بگوید، در روند صلح و امنیت بین‌المللی شرکت فعال داشته باشد، پاکستان را در انزوا قرار دهد، یک قدرت مهم منطقه‌ای در آسیا باشد و به عنوان بازیگری عمده در صحنه جهانی نقش آفرینی کند. اما بریدن از جنبش عدم تعهد و آرمان‌های آن هند را با چالش‌های جدیدی در بین کشورهای در حال توسعه مواجه خواهد نمود و مماشات یا همراهی با آمریکا حساسیت و نگرانی چین و روسیه را تحریک خواهد نمود. بنابراین، دستیابی به اهداف فوق‌الذکر نیاز به تأمل بیشتر در تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی جدید هند دارد.

منابع

۱. سبحانی، هادی (۱۳۸۶)، ناتوی آسیا، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۱۶.
۲. شفیع، نوذر (۱۳۸۵)، همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی هند و آمریکا: علل و پیامدها، مجله سیاست دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۳.
۳. صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۳)، هند، تحول در رویکرد استراتژیک (فرصت و چالش‌ها برای ایران)، نامه دفاع، مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی، شماره ۲.
۴. صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۵)، چشم انداز نقش هند در محیط امنیتی-استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱۳.
۵. فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۵)، پویایی پیچیده روابط پاکستان با چین، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۲، ۳.
۶. قاسمی، مصطفی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل همگرایی و واگرایی روسیه، چین و هند در قالب سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۷.
۷. قدیری، نیلوفر (۱۳۸۸)، شطرنج استراتژیک در اوراسیا، همشهری دیپلماتیک، دوره جدید، شماره ۳۹.
۸. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۶)، حرکت با چراغ خاموش، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۱۶.
۹. لاوی، پیتز آر (۱۳۸۴)، فرهنگ استراتژیک پاکستان: یک چشم‌انداز نظری، ترجمه: عسگر قهرمان‌پور، سال سوم، شماره ۱۰.
۱۰. محمودی، محمدرضا (۱۳۸۵)، توازن آسیایی، همشهری دیپلماتیک جدید، شماره ۳۹.
۱۱. ملازهی، ملامحمد (۱۳۸۵)، معامله بزرگ، همشهری دیپلماتیک، سال اول، شماره ۷.

۱۲. مؤدب، محمد (۱۳۸۶)، بلا تکلیفی، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۱۶.

13. Shah Anup (2009), World Military Spending, www.globalissues.org/article/75
14. Chinese Border Disputes, The Asian Age, 05.08.,p.1-2.
15. Gupta, Amit (Feb 2005), The US India Relationship: Strategic Partnership or Complementary Interests? www.carlisle.army.mil/ssi
16. Gupta, Amit (5 May 1995), Structure and Military Doctrine are Determined, Asian Survey, Vol. xxxv.
17. Hedrick, Brian (2009), India Strategic Defense Transformation: Expanding Global Relationship, www.strategicstudiesinstitute.army.mil
18. Lall, Marie (2008), India's New Foreign Policy the Journey from Moral Non-alignment to the Nuclear Deal, Issue, Singapore..
19. Tanham, George k. (1992), Indian Strategic Thought: an Interpretive Essay, RAND.